



فصلنامه علمی چشمانداز مدیریت دولتی

Journal of Public Administration
Perspective

عنوان مقاله:

طراحی چارچوب حاکمیت الکترونیک در تدوین خطمشی توسعه صادرات

Article Title: Designing an E-Governance Framework for Export Development Policy Formulation

نویسندگان: فرج‌اله رهنورد، علیرضا سیحون، مهدی مرتضوی و حبیب‌اله طاهرپور کلانتری

Authors: Farajollah Rahnavard, Ali Reza Seihoon, Mahdy Mortazavi & Habiballah Taherpour

روش‌رسانی‌دهی به این مقاله: رهنورد، فرج‌اله؛ سیحون، علیرضا، مرتضوی؛ مهدی و طاهرپور کلانتری، حبیب‌اله (۱۳۹۸). طراحی چارچوب حاکمیت الکترونیک در تدوین خطمشی توسعه صادرات. چشمانداز مدیریت دولتی، (۳) ۱۰، ۱۰۱-۱۲۵.

To cite this article: Rahnavard, F., Seihoon, A.R., Mortazavi, M., Taherpour, H. (2019). Designing an E-Governance Framework for Export Development Policy Formulation. Journal of Public Administration Perspective, 10(3), 101-125.

تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۰۷/۰۱

ناشر: ایران - تهران - دانشگاه شهید بهشتی - دانشکده مدیریت و حسابداری

Publication Date: 2019/September/23

Publisher: Iran - Tehran - Shahid Beheshti University - Faculty of Management & Accounting

شاپا چاپی: ۶۰۶۹-۲۲۵۱، شاپا الکترونیکی: ۴۱۵۷-۲۶۴۵

ص ص ۱۰۱ - ۱۲۵

طراحی چارچوب حاکمیت الکترونیک در تدوین خطمشی توسعه صادرات

فرج‌اله رهنورد^{۱*}، علیرضا سیحون^۲، مهدی مرتضوی^۳، حبیب‌اله طاهرپور کلانتری^۱

۱. گروه مدیریت دولتی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران.

۳. گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

هدف: نظر به اهمیت حاکمیت الکترونیک به‌عنوان یکی از مباحث کلیدی در خطمشی‌گذاری و خلأ مطالعات و پژوهش‌های نظری مرتبط در ایران، هدف این پژوهش دستیابی به چارچوب استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خطمشی توسعه صادرات است.

طراحی / روش‌شناسی / رویکرد: این پژوهش به روش کیفی داده‌بنیاد انجام شده است. جامعه آماری شامل خبرگانی است که در زمینه تدوین خطمشی توسعه صادرات از دانش و تجربه عملی برخوردارند. خبرگان به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اطلس مدیریت شده است.

یافته‌های پژوهش: پس از تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها، مقوله محوری با عنوان «استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خطمشی توسعه صادرات» احصاء شد که شامل ابعاد اصلی مشارکت ذی‌نفعان، شفاف‌سازی، پاسخگویی و دولت الکترونیک است. یافته‌ها نشان داد که مطالبه‌گری صادرکنندگان، اولویت‌دهی به صادرات غیرنفتی و گسترش ICT از عوامل مؤثر بر «استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خطمشی توسعه صادرات» هستند. **محدودیت‌ها و پیامدها:** تفکر حاکمیت عمومی و جلب اعتماد صادرکنندگان از محدودیت‌های استقرار حاکمیت الکترونیکی است.

پیامدهای عملی: استقرار چنین حاکمیتی می‌تواند به پیامدهایی مانند اعتماد صادرکنندگان، رضایت ذی‌نفعان حوزه صادرات، مشروعیت و بهبود کیفیت خطمشی‌های صادراتی منجر شود و آثار مثبتی مانند رضایت و اعتماد صادرکنندگان داشته باشد و مشروعیت حکومت را در میان ذی‌نفعان بالا برده و کیفیت خطمشی‌ها را در کشور ارتقا دهد.

ابتکار یا ارزش مقاله: این پژوهش با شناسایی عوامل علی، مداخله‌گر و تعدیل‌کننده و تدوین چارچوب نهایی به یافته‌های پژوهشی در حوزه حاکمیت الکترونیک و خطمشی‌گذاری توسعه صادرات می‌افزاید.

کلمات کلیدی: حاکمیت الکترونیک، مشارکت الکترونیکی، خطمشی‌گذاری مشارکتی، تدوین خطمشی، توسعه صادرات.

نوع مقاله: مقاله علمی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۳۱.

* نویسنده مسئول.

E-mail addresses: frahnavard@imps.ac.ir; seihoonmail@gmail.com; m.mortazavi@modare.ac.ir; h.taherpour@imps.ac.ir

۱. مقدمه

نظریه ذی‌نفعان فریمن^۱ (۱۹۸۴)، راه جدیدی را به روی دولت‌ها گشوده است تا به‌طور راهبردی تأثیرات محیط را از راه تشخیص افراد ذی‌نفع ارزیابی کنند. الگوهای نوین مدیریت دولتی، درگیر شدن ذی‌نفعان را در فرآیند خط‌مشی‌گذاری و دیگر تصمیم‌گیری‌های دولتی مورد تأکید قرار می‌دهند. ذی‌نفعان گروه‌هایی هستند که می‌توانند بر خط‌مشی عمومی تأثیرگذار باشند و از تصمیم‌های استراتژیک دولت تأثیر بگیرند. دولت‌ها به‌طور مساوی بر همه افراد ذی‌نفع در همه اوقات وابسته نیستند. هرچه مشارکت فرد ذی‌نفع کلیدی و باارزش‌تر باشد، وابستگی خط‌مشی‌گذار به ذی‌نفع بیشتر و نفوذ بالقوه فرد ذی‌نفع بر تصمیم‌های خط‌مشی‌گذار بیشتر خواهد بود. در این پژوهش ذی‌نفعان حوزه توسعه صادرات می‌تواند دربرگیرنده تولیدکنندگان محصولات صادراتی، صادرکنندگان حقیقی و حقوقی در زمینه کالا و خدمات، تشکل‌های صادراتی، اتاق بازرگانی ایران، اتاق‌های بازرگانی استان‌ها، اتاق‌های بازرگانی مشترک و شرکت‌های مدیریت صادرات باشد. باید در نظر داشت که در قوانین کشور بر موضوع جلب مشارکت ذی‌نفعان خط‌مشی تأکید شده است. مواد مندرج در قانون اتاق بازرگانی (مصوب ۱۳۶۹)، قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار (مصوب ۱۳۹۰)، قانون هدفمندی یارانه‌ها (مصوب ۱۳۸۸)، اساسنامه سازمان توسعه تجارت (مصوب ۱۳۸۳)، مصوبه هیئت‌وزیران در خصوص شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی (مصوب ۱۳۹۳) و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (مصوب ۱۳۸۶) به‌صراحت به بحث مشارکت ذی‌نفعان و بخش خصوصی در خط‌مشی‌گذاری توسعه صادرات پرداخته‌اند.

در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی، یافته‌های نظریه‌پردازان این رشته تأییدکننده این واقعیت است که هر چه خط‌مشی‌های تدوین‌شده، بیشتر مورد اجماع خط‌مشی‌گذاران، مجریان، جامعه هدف و گروه‌های ذینفع باشد، خط‌مشی عمومی توفیق بیشتری در ارائه راه‌حل‌های صحیح برای مسائل عمومی و اجرای خط‌مشی‌های عمومی خواهد داشت. با ظهور شیوه‌های جدید ارتباطی و شکل‌گیری جوامع مجازی از طرفی رویکرد جامعه نسبت به مفهوم مشارکت و انگیزه‌های آن متفاوت شده است (Sæbø et. al., 2008) و از طرف دیگر مشارکت گروه‌های ذینفع، نیازمند ابزارها و شیوه‌های جدیدی است. استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی و فناوری‌های دیجیتال برای بهبود وضعیت و توسعه پایدار جوامع، ضرورتی انکارناپذیر است. مفهوم مشارکت الکترونیک، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای درگیر کردن ذی‌نفعان و جامعه هدف خط‌مشی و کمک به آن‌ها برای تعامل با یکدیگر و نمایندگان منتخبشان برای دستیابی به راه‌حل‌های بهینه برای مسائل اجتماعی است (Macintosh, 2009).

1. Freeman

مشارکت الکترونیک در قالب شاخص دولت الکترونیک بر مبنای ابعاد سه‌گانه اطلاعات الکترونیک، مشاوره الکترونیک و تصمیم‌گیری الکترونیک سنجیده می‌شود (UN, 2018) که ایران با امتیاز ۰/۵۲ در میان ۱۹۳ کشور جهان در رتبه ۱۱۱ قرار دارد. یکی از دلایل پایین بودن امتیاز ایران، عدم به‌کارگیری مشارکت الکترونیکی در حوزه خط‌مشی‌گذاری است؛ در ضمن استقرار حاکمیت الکترونیک و خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر مشارکت الکترونیکی مستلزم انتخاب پایه نظری مناسبی است که در آن سهم و نقش هر یک از عوامل تأثیرگذار مشخص شده باشد که مسئله اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد (Sabatier, 2007). هرچند پژوهش‌های علمی زیادی درباره مشارکت الکترونیکی صورت گرفته است (Sæbø et al., 2011; Scherer and Wimmer, 2014; Jho and Song, 2015; Alathur, Ilavarasan, and Gupta, 2016; Oni, 2017) اما پژوهش‌ها در خصوص خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر مشارکت الکترونیکی، گستردگی چندانی ندارد و بیشتر بر کشورهای توسعه‌یافته تمرکز داشته‌اند (Macintosh, 2014; De Vries, 2008; Lironi, 2016).

به عقیده راسل و فینگر^۱ (۲۰۰۷)، حاکمیت الکترونیک مستلزم افزایش قابلیت‌های خط‌مشی‌گذاری از طریق مشارکت الکترونیکی ذی‌نفعان اجتماعی است؛ بنابراین به سبب محدود بودن مبانی نظری پژوهش مرتبط با حاکمیت الکترونیک و تدوین خط‌مشی عمومی مشارکتی الکترونیکی در ایران، روش پژوهش کیفی و با رویکرد استقرایی انتخاب شده است و در رابطه با موضوع پژوهش به سبب کافی نبودن نظریه‌ها و مدل‌های بررسی‌شده در پیشینه، برای ادراک و فهم فرآیند حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی توسعه صادرات در ایران، ارائه مدل فرآیندی در این زمینه لازم است؛ از این رو پژوهش حاضر با رویکردی کیفی بر طراحی چارچوب حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی توسعه صادرات در شرایط ایرانی متمرکز شده است. شناخت عمیق‌تر عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر در ارتباط با حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی توسعه صادرات می‌تواند در استقرار آن کارساز باشد.

لازم به توضیح است که دولت ایران در دهه‌های گذشته در قالب «طرح تکفا» سرمایه‌گذاری زیادی برای اجرای دولت الکترونیکی انجام داده است؛ اما مشارکت الکترونیکی شهروندان در خط‌مشی‌گذاری مورد غفلت قرار گرفته است؛ بنابراین پژوهش‌هایی از این دست نه تنها در ترمیم شکاف پژوهشی در حوزه حاکمیت الکترونیکی خط‌مشی‌گذاری مشارکتی الکترونیکی تأثیرگذار است، بلکه یافته‌های آن می‌تواند به‌عنوان پایه نظری خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر مشارکت الکترونیکی به کار گرفته شود.

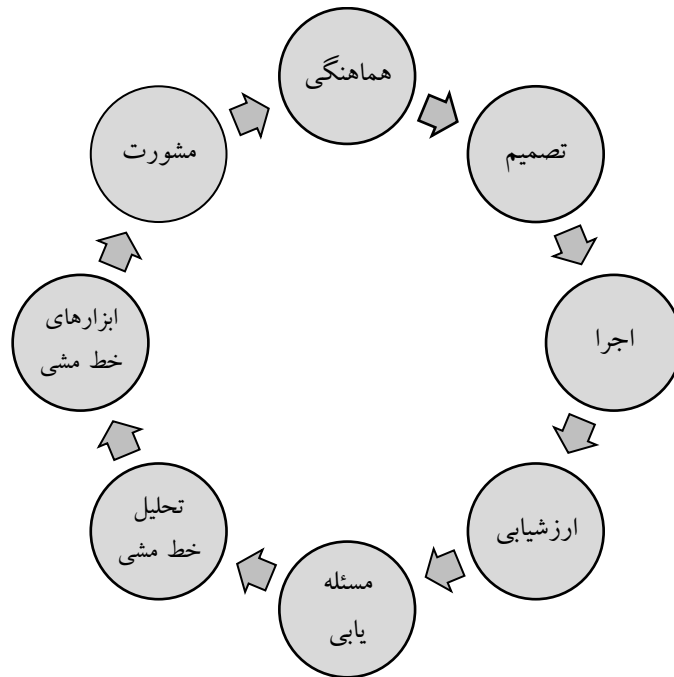
1. Rossel and Finger

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حاکمیت الکترونیک^۱ در مفهوم عام عبارت است از: ظرفیت حکومت برای کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در بخش‌های مختلف دولتی با هدف ترغیب و تعمیق حاکمیت خوب (Amoretti & Musella, 2009). در مفهوم خاص، برای تمیز تفاوت بین حکومت الکترونیک^۲ و حاکمیت الکترونیک، راسل و فینگر^۳ (۲۰۰۷)، معتقد هستند که حکومت الکترونیک ناظر بر استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در اداره امور عمومی برای بهبود خدمات دولتی و فرآیندهای دموکراتیک و تحکیم حمایت از مردم است؛ درحالی‌که حاکمیت الکترونیک مستلزم افزایش قابلیت‌های خطمشی‌گذاری از طریق مشارکت الکترونیکی ذی‌نفعان اجتماعی است. اهمیت حاکمیت الکترونیکی باعث شده است در تغییر دیدمان‌های مدیریت دولتی، این موضوع موردتوجه قرار گیرد. به عقیده دنهارت و دنهارت^۴ (۲۰۰۷)، توسعه مشارکت عمومی از ویژگی‌های دیدمان‌های اداره امور عمومی نوین^۵ (NPA)، مدیریت دولتی نوین^۶ (NPM) و مدیریت ارزش‌های همگانی^۷ (PVM) است؛ اما دیدمان‌های مختلف مدیریت دولتی با فلسفه متفاوتی مشارکت مردم را به کار می‌گیرند. این تفاوت ناشی از مبانی معرفت‌شناسی و نظری این دیدمان‌ها است. اداره امور عمومی نوین بر نظریه سیاسی، مدیریت دولتی نوین بر نظری اقتصادی و مدیریت ارزش‌های همگانی بر نظریه دموکراتیک استوار هستند. به سخن دیگر، انتظار آن است که با پذیرش مدیریت ارزش‌های همگانی از سوی دولت‌ها، خطمشی‌گذاری مبتنی بر مشارکت در اشکال مختلف آن از جمله مشارکت الکترونیکی بیش‌ازپیش موردتوجه قرار گیرد.

خطمشی‌گذاری. مطابق نظر اندرسون^۸ (۱۹۸۴)، خطمشی مجموعه اقدامات هدف‌دار است که به‌وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران برای برخورد با مشکل یا مسئله موردتوجه در نظر گرفته می‌شود. طرفداران چارچوب اکتشاف مراحل برای ساده‌کردن پیچیدگی خطمشی‌گذاری سعی کرده‌اند آن را به چند مرحله مشخص و فرعی تقسیم کنند (Brewer and DeLeon, 2004; Howlett., Ramesh and Perl, 2009; Brigman and Davis, 2004). تمامی این دیدگاه‌های متفاوت از چرخه خطمشی سه مرحله اساسی صورت‌بندی، اجرا و ارزیابی قابل‌تشخیص است. هر یک از این مراحل نیز به‌نوبه خود به گام‌های فرعی قابل‌تقسیم است (نمودار ۱).

-
1. e-governance
 2. e-government
 3. Rossel and Finger
 4. Denhardt and Denhardt
 5. New Public Administration
 6. New Public Management
 7. Public Value Paradigm
 8. Anderson



نمودار ۱. گام‌های اصلی و فرعی در چرخه خط‌مشی‌گذاری بریجمن و دیویس^۱ (۲۰۰۴)

از آنجا که خط‌مشی‌گذاری عمومی نوعی فرآیند تصمیم‌گیری در سطح کلان است، می‌توان خط‌مشی‌گذاری را به روش مشارکتی دنبال کرد؛ یعنی روشی که در آن شهروندان می‌توانند در خط‌مشی‌گذاری نفوذ و کنترل داشته باشند (Charalabidis and Loukis, 2012).

خط‌مشی‌گذاری مشارکتی. به‌زعم رو و فرور^۲ (۲۰۰۰)، مشارکت عمومی، فرآیند مشورت و دخالت اعضای جامعه در دستورگذاری خط‌مشی، تصمیم‌گیری و شکل‌گیری خط‌مشی سازمان‌ها یا نهادهای مسئول در توسعه خط‌مشی است؛ بنابراین خط‌مشی‌گذاری مشارکتی، فرآیندی است که انتظار می‌رود از طریق آن مشروعیت دموکراتیک افزایش یافته، شکاف بین شهروندان و حکومت کاهش یابد، ظرفیت حل مسائل بیشتر شود، حمایت از خط‌مشی‌ها افزایش یافته و کیفیت خط‌مشی بهبود یابد (Michels, 2012).

امروزه ظهور فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی این امکان را فراهم ساخته است که مشارکت مردم در خط‌مشی‌گذاری با استفاده از این فناوری‌های نوین صورت گیرد که با عنوان «مشارکتی الکترونیکی» معروف شده است. مشارکت الکترونیکی عبارت است از: استفاده از فناوری اطلاعات

1. Brigman and Davis

2. Rowe, G. and Frewer

و ارتباطات برای درگیر کردن شهروندان و کمک به آنها برای تعامل با یکدیگر و نمایندگان منتخبشان برای دستیابی به راهکارهای حل مسائل اجتماعی (Staiou and Gouscos, 2010).

خطامشی‌گذاری مبتنی بر مشارکت الکترونیکی. به‌زعم مکینتاش^۱ (۲۰۰۴)، دموکراسی الکترونیک عبارت است از: کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای حمایت از فرآیندهای تصمیم‌گیری دموکراتیک. یکی از سازوکارهای دموکراسی الکترونیکی، خطامشی‌گذاری مبتنی بر مشارکت الکترونیکی است. مکینتاش (۲۰۰۴)، سه سطح مشارکت را برای تشریح ابتکارات دموکراسی الکترونیکی به شرح زیر مطرح کرده است:

۱. تواناسازی الکترونیکی: حمایت از افرادی که به اینترنت دسترسی ندارند از طریق تأمین دسترسی به فناوری اطلاعات و درک اطلاعات؛

۲. التزام الکترونیکی: پایبندی و سهیم‌شدن شهروندان در مباحث مرتبط با موضوع‌های خطامشی به روش الکترونیکی؛

۳. توانمندسازی الکترونیکی: اجازه به شهروندان برای نفوذ و مشارکت در تدوین خطامشی به روش الکترونیکی.

مبنای نظری خطامشی‌گذاری مبتنی بر مشارکت الکترونیکی، «حاکمیت عمومی»^۲ است. حاکمیت عمومی شامل فرآیندها و نهادهایی است که بر تصمیم‌گیری عمومی استوار هستند. حاکمیت عمومی عبارت است از: تصمیم‌گیری مبتنی بر تأمین انتظارات و احساس شهروندان و ذی‌نفعان (Bovaird & Löffler, 2009). حاکمیت عمومی بر این نکته توجه دارد که چگونه سازمان‌های مختلف برای نیل به سطح بالاتری از نتایج موردنظر با شهروندان و ذی‌نفعان تعامل برقرار می‌کنند. در حاکمیت عمومی، روش تصمیم‌گیری (فرآیندهایی که از طریق آنها ذی‌نفعان مختلف تعامل می‌کنند) نیز از اهمیت عمده‌ای برخوردار است؛ به عبارت دیگر حاکمیت عمومی این گفته سنتی را زیر سؤال می‌برد که «مهم نیست ما چه کار می‌کنیم، مهم آن است که مردم در مورد آنچه انجام می‌دهیم چه احساسی دارند» (Bovaird & Löffler, 2009).

حاکمیت مشارکتی یکی از راهبردهای نهادی در حاکمیت عمومی است و درگیرشدن شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری از جمله خطامشی‌گذاری پیامد منطقی و موردانتظار حاکمیت مشارکتی است. با ظهور نهضت دموکراتیک، شهروندان در بیشتر کشورها انتظار دارند ندای آنان در خطامشی‌گذاری عمومی شنیده شود. بی‌شک گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی این امکان را فراهم ساخته است که خطامشی‌گذاری مبتنی بر مشارکت الکترونیکی قابلیت اجرا پیدا کند (Charalabis & Loukis, 2012).

1. Macintosh

2. public governance

عوامل مؤثر بر خطمشی‌گذاری مبتنی بر مشارکت الکترونیکی. تضمینی وجود ندارد که خطمشی‌گذاری مشارکتی الکترونیکی بدون تعدیل اثر بازدارندگی عوامل مؤثر بر استقرار آن قابلیت اجرا پیدا کند. ضروری است پیش‌نیازهای استقرار آن احصاء و راهبردهای عملیاتی متناظر تدوین و به‌کار گرفته شود. جدول ۱، خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهشی در این خصوص را نشان می‌دهد.

جدول ۱. عوامل مؤثر بر استقرار خطمشی‌گذاری مبتنی بر مشارکت الکترونیکی

منبع	عوامل مؤثر
Edelenbos (1999)	طراحی فرآیند خطمشی‌گذاری مشارکتی مدیریت فرآیند خطمشی‌گذاری مشارکتی
Alharbi & Kang (2014)	تأثیرپذیری قصد شهروندان برای استفاده از خدمات مشارکت الکترونیکی از گرایش، اعتماد، طراحی وب‌سایت و فرهنگ عمومی
Alharbi, Persaud, & Kindra (2015)	تأثیرپذیری قصد استفاده شهروندان از مشارکت الکترونیکی از متغیرهای ۱. گرایش به حکومت الکترونیکی، ۲. مزایای ادراک‌شده از حکومت الکترونیکی، ۳. اعتماد، ۴. رسانه اجتماعی، ۵. هویت اجتماعی و نفوذ اجتماعی
Kazmi (2010)	عوامل تأثیرگذار بر حاکمیت الکترونیکی عبارت‌اند از: ۱. زیرساخت‌های فناورانه؛ ۲. خطمشی‌های دولتی؛ ۳. منابع انسانی و ۴. کیفیت درگاه‌های وب
Mensah, Jianing, Durrani (2017)	عوامل تأثیرگذار بر قصد شهروندان به استفاده از خدمات دولت الکترونیک عبارت‌اند از: ۱. سودمندی ادراک‌شده؛ ۲. سهولت کاربرد ادراک‌شده؛ ۳. کیفیت خدمات ادراک‌شده درضمن در این پژوهش اعتماد شهروندان به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده لحاظ شده است.
رهنورد و خارستانی (۱۳۸۶)	پیش‌نیازها و عوامل تأثیرگذار بر مشارکت الکترونیکی و انتخاب الکترونیکی عبارت‌اند از: ۱. اعتمادسازی؛ ۲. زیرساخت‌های حقوقی؛ ۳. زیرساخت‌های فناورانه؛ ۴. آموزش و فرهنگ‌سازی؛ ۵. شفافیت و پاسخگویی؛ ۶. امنیت شبکه و اطلاعات؛ ۷. عزم حاکمیتی؛ ۸. تشخیص هویت و رعایت حریم افراد.
شجاعان تقوی فرد (۱۳۹۷)	مؤلفه‌های استقرار حاکمیت الکترونیک عبارت‌اند از: ۱. توسعه مشارکت الکترونیک؛ ۲. تأمین سرمایه انسانی و نیروی تخصصی؛ ۳. آموزش و فرهنگ‌سازی مشارکت الکترونیک؛ ۴. گسترش فضای امنیت تبادل اطلاعات؛ ۵. برگزاری انتخابات الکترونیک.

با توجه به جدول ۱، مبانی نظری چندانی در مورد استقرار حاکمیت الکترونیکی در خطمشی‌گذاری توسعه صادرات وجود ندارد؛ بنابراین ضروری است برای تبیین ابعاد مختلف حاکمیت الکترونیکی و همچنین عوامل تأثیرگذار بر آن و آثار حاکمیت الکترونیکی، به‌خصوص در حوزه تدوین خطمشی توسعه صادرات از دیدگاه خبرگان استفاده شود.

۳. روش‌شناسی

از دید روش‌شناسی، پژوهشگران بر این باورند که روش پژوهش کیفی بینش عمیق‌تری را در قبال پدیده‌های فرآیندی فراهم می‌سازند. یکی از مشخصه‌های پژوهش کیفی، تعامل زیاد

بین پژوهشگر و محیط پیرامونی است که درک عمیقی از مسئله پژوهش فراهم می‌آورد (Bluhm et al., 2011)؛ باوجود این انواع مختلفی از راهبردهای کیفی در پژوهش وجود دارد که اغلب در شیوه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. یکی از این راهبردها رویکرد نظریه داده‌بنیاد است که به واسطه ویژگی‌های خاص آن در پژوهش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. نظریه داده‌بنیاد نوعی استراتژی پژوهشی است که در پی ساخت نظریه است و در داده‌هایی مفهومی ریشه دارد که به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. این استراتژی با استفاده از رویکرد استقرائی سعی در مفهوم‌سازی داده‌ها (گردآوری و تحلیل داده‌ها به صورت توأم) به گونه‌ای دارد که مدل به طور مستقیم از داده‌ها ظاهر شود. این برخلاف رویکرد قیاسی غالب در پژوهش است که با بررسی مبانی نظری موضوع، چارچوب مفهومی یا نظریه تدوین می‌شود و سپس داده‌ها با استفاده از ابزارهای پژوهش جمع‌آوری می‌شوند تا در پی تحلیل آن‌ها، چارچوب مفهومی موردآزمون قرار گیرد (Strauss & Corbin, 1990).

نمونه‌گیری نظری. نمونه آماری پژوهش حاضر که به منظور دستیابی به مدل مفهومی اولیه رابطه حکومت و مردم در فرآیند پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند، شامل ۱۰ تن از خبرگانی است که در زمینه موضوع پژوهش و همچنین صادرات از آشنایی و اطلاعات کافی برخوردار و صاحب‌نظر بوده‌اند. داده‌های جمعیت‌شناختی نمونه نظری به کار رفته در پژوهش در جدول ۲، ارائه شده است.

جدول ۲. داده‌های جمعیت‌شناختی خبرگان

کُد خبره	موقعیت شغلی	حوزه تخصصی علمی و کاری	سابقه فعالیت در حوزه خط‌مشی‌گذاری و صادرات
۱	استاد دانشگاه	خط‌مشی‌گذاری عمومی	۲۵ سال
۲	پژوهشگر و مدیرکل	اقتصاد و خط‌مشی‌گذاری اقتصادی	۲۰ سال
۳	مدیرکل دولتی و استاد دانشگاه	خط‌مشی‌گذاری عمومی	۱۰ سال
۴	مدیر بخش خصوصی و استاد دانشگاه	بازرگانی و صادرات	۱۰ سال
۵	مدیر دولتی	بازرگانی بین‌الملل و صادرات	۱۵ سال
۶	مدیر دولتی	اقتصاد و صنعت	۳۰ سال
۷	مدیر دولتی	اقتصاد و صادرات	۱۵ سال
۸	صادرکننده	بازرگانی بین‌الملل	۱۵ سال
۹	صادرکننده	اقتصاد	۱۲ سال
۱۰	مدیر دولتی	اقتصاد و سیاست‌های صادراتی	۱۰ سال

جمع‌آوری داده‌ها. ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌های پژوهش مصاحبه بود. در ابتدای هر مصاحبه ابتدا توضیحاتی درخصوص موضوع موردنظر ارائه شده و پس از اطمینان از روشن‌بودن موضوع برای خبره موردنظر، سؤال‌ها مطرح شدند. پس از هر مصاحبه خواسته شد تا افرادی را که از نظر آن‌ها اشراف کامل به موضوع دارند را معرفی کنند؛ سپس با بررسی سابقه علمی و تجربی افراد موردنظر نسبت به هماهنگی و انجام مصاحبه با آنان اقدام شد (جدول ۲). مراحل انجام مصاحبه و تجزیه و تحلیل آن‌ها از سال ۱۳۹۵ آغاز و در سال ۱۳۹۷ به اتمام رسید. در این پژوهش، نمونه منتخب با ۱۰ تن از صاحب‌نظران به اشباع نظری رسید که سعی شده بود به‌منظور جامعیت پژوهش از طیف مختلفی باشند. پس از انجام هر مصاحبه، فایل‌های صوتی به حالت نوشتاری تبدیل شدند و در ادامه بر روی آنها بررسی و تحلیل انجام پذیرفت. ابزار اصلی در مدیریت داده‌ها در این پژوهش نرم‌افزار Atlas Ti است.

جدول ۳. راهنمای مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته

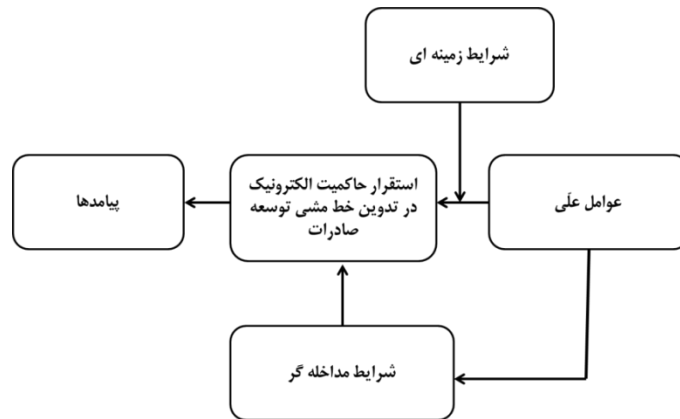
سؤال‌های اصلی	سؤال‌های فرعی
۱. ابعاد و مؤلفه‌های استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی توسعه صادرات کدام‌اند؟	۱. تا چه حد با مفهوم حاکمیت الکترونیک آشنا هستید؟ ۲. آیا خط‌مشی‌گذاری مشارکتی الکترونیک را برای شرایط کشور و ذی‌نفعان حوزه توسعه صادرات (صادرکنندگان، تشکلهای صادراتی، اتاق‌های بازرگانی، وزارت صنعت، معدن و تجارت) مناسب می‌دانید؟ ۳. چه ابعاد یا مؤلفه‌هایی برای سنجش «استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی صادرات» را پیشنهاد می‌کنید؟ ۴. تعریف شما از تدوین خط‌مشی مبتنی بر مشارکت الکترونیک چیست؟
مهم‌ترین چالش‌ها برای استقرار خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر مشارکت الکترونیک در توسعه صادرات کدام‌اند؟	۱. آیا با الگوهای مختلف حاکمیت الکترونیک در دیگر کشورها آشنا هستید؟ ۲. چه عواملی را در گرایش تدوین‌کنندگان خط‌مشی به مشارکت الکترونیک مؤثر می‌دانید؟ ۳. بر اساس تجربه شما موانع استقرار خط‌مشی‌گذاری توسعه صادرات مبتنی بر مشارکت الکترونیک در ایران کدام‌اند؟ ۴. چگونه می‌توان زمینه‌های لازم برای افزایش گرایش تدوین‌کنندگان خط‌مشی توسعه صادرات به مشارکت الکترونیک را فراهم ساخت؟ ۵. چه اقداماتی برای افزایش گرایش خط‌مشی‌گذاران به حاکمیت الکترونیک در ایران انجام شده است؟
پیامدهای استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی توسعه صادرات کدام‌اند؟	۱. دولت ایران چه اهدافی را برای افزایش گرایش تدوین‌کنندگان خط‌مشی توسعه صادرات به مشارکت الکترونیک دنبال می‌کند؟ ۲. دولت چه راهبردهایی را برای استقرار تدوین خط‌مشی توسعه صادرات مبتنی بر مشارکت الکترونیک تدوین کرده است؟
شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر در استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی توسعه صادرات چگونه است؟	۱. شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر ایران چه الزاماتی را در استقرار خط‌مشی‌گذاری توسعه صادرات مبتنی بر مشارکت الکترونیک تحمیل می‌کند؟ ۲. چه عواملی در استقرار حاکمیت الکترونیک مداخله می‌کنند و استقرار آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند؟

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

کدگذاری اساس فرآیند تحلیلی در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. در این رویکرد از سه نوع کدگذاری استفاده می‌شود: کدگذاری باز؛ کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (Strauss & Corbin, 1990).

الف) کدگذاری باز. در مرحله نخست با مطالعه و بررسی متن مصاحبه‌ها، گد‌های اولیه‌ای که برگرفته از واژه‌ها، جملات و بندهایی که نشان‌دهنده آن گد بوده‌اند، استخراج شدند. کدگذاری باز یک فرآیند تفسیری است که به وسیله تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام می‌پذیرد. هدف این فرآیند ایجاد بینش جدیدی در ذهن تحلیل‌گر از طریق تفسیر پدیده‌ها است. در کدگذاری باز اتفاقات/کنش‌ها/تعاملات با یکدیگر مقایسه می‌شوند تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها مشخص شود و در نهایت یک مشخصه مفهومی به خود گیرند. در این مسیر اتفاقات/کنش‌ها/تعاملات مشابه در دسته‌های مفهومی گروه‌بندی می‌شوند تا مقولات اصلی و فرعی ایجاد شوند (Strauss & Corbin, 1990). در این پژوهش ابتدا کلیه مصاحبه‌ها به شکل کامل به صورت نوشتار تهیه شد. پس از کدگذاری ۱۰ مصاحبه انجام شده در مجموع ۲۸۱ گد اولیه استخراج شد.

ب) کدگذاری محوری. در کدگذاری محوری از طریق پیوند بین یک مقوله اصلی و یک مقوله فرعی، داده‌ها را به هم پیوند می‌دهند. بدین ترتیب کدگذاری محوری به فرآیند شکل‌دهی مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی اشاره دارد. از طریق پارادایم کدگذاری شرایط، زمینه‌ها، مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی مرتبط می‌شوند (Strauss & Corbin, 1998). در این مرحله پژوهشگر می‌تواند از پارادایم‌های کدگذاری مختلفی برای تسهیل شناسایی ارتباط میان مقوله‌ها استفاده کند؛ ولی باید در میان طرح‌های موجود، طرحی را انتخاب کند که تصویر معتبرتری از نظریه ارائه دهد (Strauss & Corbin, 1998). در این پژوهش از پارادایم کدگذاری نیمه‌ساخت یافته اشتراوس و کوربین استفاده شده است. بعد از بررسی گد‌های اولیه استخراج شده و با تحلیل و بررسی مجدد آن‌ها مقوله‌های اصلی و فرعی در ابعاد چارچوب رویکرد داده‌بنیاد اشتراوس و کوربین تدوین شده‌اند (شکل ۱).



شکل ۱. چارچوب پژوهش کیفی (Locke, 2001)

در پارادایم کدگذاری اشتراوس و کوربین:

۱. شرایط علی مقوله‌های مربوط به شرایط تأثیرگذار بر پدیده محوری هستند؛
 ۲. زمینه‌ها، شرایط خاصی هستند که بر پدیده محوری تأثیر می‌گذارند؛
 ۳. پدیده محوری، یک صورت ذهنی از پدیده‌ای است که اساس فرآیند است؛
 ۴. شرایط مداخله‌گر، شرایط عمومی هستند که بر اثر تغییر در علت‌ها تغییر می‌یابند و بر پدیده محوری تأثیر دارند؛
 ۵. پیامدها مقوله‌هایی هستند که در اثر تحقق کنش‌ها و تعاملات ایجاد می‌شوند.
- در این پژوهش برای طراحی چارچوب گرایش تدوین‌کنندگان خط‌مشی به حاکمیت الکترونیکی به‌عنوان پدیده محوری، عوامل علی، شرایط مداخله‌گر و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر پدیده محوری و پیامدهای آن موردبررسی قرار گرفته‌اند.
- توزیع فراوانی کدهای به‌دست‌آمده در پژوهش در جدول ۴، ارائه شده است.

جدول ۴. تعداد کدهای اولیه، مفاهیم و مقوله‌ها

عبارت	کد اولیه	مفهوم اولیه	مقوله فرعی	مقوله
۱۶۳	۲۸۱	۲۸۱	۵۲	۲۰

نمونه‌ای از کدهای باز، مفاهیم اولیه و مقوله‌های استخراج‌شده به شرح جدول ۵، است. این مصاحبه‌ناظر بر شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های استقرار «حاکمیت الکترونیکی در تدوین خط‌مشی توسعه صادرات» بود که چهار مؤلفه برای تبیین این نوع استقرار در مصاحبه با یکی از خبرگان شناسایی شد.

جدول ۵. گدهای باز، مفاهیم و مقوله‌ها از مصاحبه با یکی از خبرگان

مقوله	مفاهیم	کدگذاری باز	کد	نکات کلیدی
مشارکت‌جویی	خطمشی‌گذاری مشارکتی	درگیر ساختن ذی‌نفعان در تدوین خطمشی	۱-۱	استقرار سازوکارهایی برای درگیر ساختن ذی‌نفعان کلیدی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با فرآیند تدوین خطمشی توسعه صادرات
		شبکه‌های خطمشی	۲-۱	طراحی و استقرار شبکه‌های خطمشی توسعه صادرات
		ائتلاف خطمشی	۳-۱	نظرخواهی از ائتلاف‌های خطمشی توسعه صادرات
شفاف‌سازی	دسترسی آزاد به اطلاعات	دسترسی ذی‌نفعان به اطلاعات	۴-۱	استقرار سازوکارهای دسترسی آزاد ذی‌نفعان کلیدی به اطلاعات خطمشی توسعه صادرات
		گزارش عملکرد	۵-۱	تهیه و انتشار گزارش‌های عملکرد خطمشی به صورت ادواری
		انتشار مشروح اطلاعات	۶-۱	انتشار مشروح مذاکرات جلسه‌های تدوین خطمشی
پاسخگویی اجتماعی	اصلاح خطمشی	نشست با کلیدی	۷-۱	برگزاری نشست‌های روشن‌گرانه با صادرکنندگان
		ارزشیابی ادواری خطمشی	۸-۱	ارزشیابی ادواری عملکرد خطمشی با هدف دریافت بازخور از ذی‌نفعان کلیدی خطمشی توسعه صادرات
		تمرکز بر مسائل اجرا در مرحله تدوین	۹-۱	توضیح در خصوص توجه به مشکلات اجرای خطمشی توسعه صادرات در مرحله تدوین
حکومت الکترونیک	توجیه ابزارهای اجرایی	اولویت‌دهی	۱۰-۱	تبیین دلایل اولویت‌دهی به مسائل عمومی توسعه صادرات در مرحله دستورگذاری
		ارتباط الکترونیکی با ذی‌نفعان	۱۱-۱	دریافت نظرهای ذی‌نفعان کلیدی به روش الکترونیکی (تشکل‌های صادراتی، اتاق‌های بازرگانی، سازمان‌های دولتی مسئول و غیره)
		زیرساخت حقوقی	۱۲-۱	ایجاد زیرساخت‌های حقوقی استقرار خطمشی‌گذاری الکترونیکی
	زیرساخت فناورانه	زیرساخت‌های فناورانه	۱۳-۱	ایجاد زیرساخت‌های فناورانه برای تأمین مشارکت ذی‌نفعان خطمشی

ارزیابی اتکاپذیری یافته‌ها. طراحی روش‌شناسی و طرح این پژوهش به نحوی است که بتواند داده‌ها و تفسیرهایی مناسب و موثق را برای پاسخگویی سازمان‌های دولتی ارائه دهد. جدول ۶، خلاصه‌ای از معیارهای سنجش کفایت فرآیند پژوهش، کیفیت داده‌ها و تفسیرها را نشان می‌دهد. به تبعیت از صاحب‌نظران پژوهش‌های کیفی (Lincoln & Guba, 1985; Glaser & Strauss, 2006; Charmaz, 2006; Eriksson & Kovalainen, 2016) برای ارزیابی قابل‌اتکابودن داده‌ها و تفسیرها، ترکیبی از معیارهای مورد استفاده در ارزیابی پژوهش‌های تفسیری و پژوهش‌های مبتنی بر روش‌شناسی نظریه برخاسته از داده‌ها به کار رفت. در این خصوص، معیارهای لینکلن و گوبا^۱ (۱۹۸۵)، شامل اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری و تصدیق‌پذیری، معیارهای چارمز^۲ (۲۰۰۶)، شامل اعتمادپذیری، اصیل بودن، بازآوایی و مفیدبودن و بالاخره معیارهای اولیه نظریه برخاسته از داده‌ها (Glaser, 1978) از معروفیت بیشتری برخوردارند که شامل مناسب‌بودن، عملی‌بودن، مرتبط‌بودن و تعدیل‌پذیری هستند.

جدول ۶. ارزیابی اتکاپذیری یافته‌های پژوهش

معیار	شرح
اعتمادپذیری	۱) بررسی چندین باره سؤال‌های مصاحبه نیمه‌ساخت یافته به منظور شفاف‌بودن سؤال‌ها؛
	۲) ارسال خلاصه‌ای از طرح پژوهشی به منظور آماده‌ساختن ذهن مصاحبه‌شونده؛
	۳) دقت پژوهشگر و چندین بار بررسی گداهای اتخاذ شده از مصاحبه‌ها؛
	۴) گردآوری داده‌ها کافی با رعایت اشباع نظری؛
	۵) بررسی و پالایش نظریه صورت‌بندی شده با چند نفر از خبرگان.
انتقال‌پذیری	۱) نمونه‌گیری نظری و هدفمند؛
	۲) اطلاعات ارائه شده در مورد پدیده تحت بررسی از کفایت لازم برای ارزیابی امکان انتقال یافته‌ها به موقعیت‌های مشابه برخوردار است؛
	۳) مفاهیم نظری ارائه شده از داده‌های حاصل از تمامی مصاحبه‌شوندگان این مطالعه استخراج شد.
اتکاپذیری	۱) احصای تجربه‌های جاری و پیشین خبرگان در مورد موضوع پژوهش؛
	۲) رعایت ابزارهای روش‌شناختی در طول پژوهش؛
	۳) مستندسازی جامع مصاحبه‌ها از طریق نرم‌افزار اطلس.
تصدیق‌پذیری	۱) مرور مصاحبه‌ها و ارزیابی تفسیرهای پژوهشگر از سوی دیگران؛
	۲) بسط و پالایش تفسیرها از طریق تأیید خلاصه الگوی صورت‌بندی شده توسط ۳ تن از خبرگان.
بازآوایی	۱) از بودن مصاحبه‌ها و اختصاص زمان کافی به آن‌ها پرده از ماهیت پیچیده پدیده موردبررسی برداشت؛
	۲) تطبیق یافته‌ها با مبانی نظری و روش‌شناسی پژوهش کیفی؛
	۳) تسلط پژوهشگر به نرم‌افزارهای مدیریت داده‌ها؛
	۴) انجام مصاحبه‌ها به صورت حرفه‌ای، بی‌نام و در فضایی دوستانه.

1. Lincoln and Guba
2. Charmaz

مفید بودن	(۱) قابلیت کاربرد یافته‌ها در خط‌مشی گذاری عمومی؛ (۲) سهم علمی یافته‌ها در تدوین مدل بومی.
اصیل بودن	(۱) جدید بودن برخی از مفاهیم احصاشده؛ (۲) معنادار بودن یافته‌ها با شرایط ایران؛ (۳) برخی از یافته‌های پژوهش، مفاهیم و ایده‌های موجود را به چالش می‌کشند.
تعدیل پذیری	چارچوب احصاشده از ظرفیت لازم برای اصلاح و تعدیل در طول زمان مبتنی بر یافته‌های جدید برخوردار است.

یافته‌های پژوهش. در مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان سعی شد تا ابعاد و مؤلفه‌های استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی توسعه صادرات (پدیده محوری) احصا شود. از نظر خبرگان استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی توسعه صادرات در بردارنده ابعاد مشارکت ذی‌نفعان، شفاف‌سازی، پاسخگویی و حکومت الکترونیک است. پیامدهای این نوع از گرایش خط‌مشی‌گذاری نیز در چارچوب مفاهیم افزایش اعتماد صادرکنندگان، رضایت ذی‌نفعان، مشروعیت نهادی و بهبود کیفیت خط‌مشی‌های صادراتی توصیف می‌شود. در ادامه نتایج کسب‌شده در پژوهش، مقوله‌های محوری، اصلی و فرعی همراه با توزیع فراوانی آن‌ها ارائه شده‌اند. این عناصر شامل عوامل علی، پدیده اصلی (استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی)، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدها است که در جدول ۷، مشاهده می‌شود.

جدول ۷. فراوانی مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط

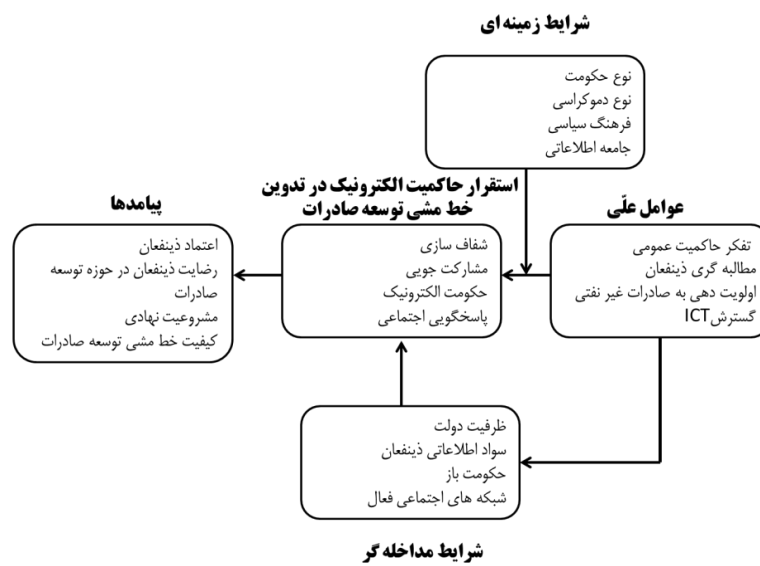
عناصر پژوهش	مقوله اصلی	مقوله فرعی	فراوانی مقوله فرعی	فراوانی مفاهیم اولیه	فراوانی کدهای اولیه
		تمایل به دموکراسی مستقیم	۷		
	مشارکت‌جویی	ترجیح تصمیم‌گیری مشارکتی	۵	۳۲	
		جامع‌نگری در تدوین خط‌مشی	۸		
		کیفیت‌گرایی در خط‌مشی گذاری	۱۲		
	حکومت الکترونیک	خط‌مشی‌گذاری الکترونیکی	۱۲	۲۰	۱۱۵
		استقرار شبکه‌های الکترونیکی خط‌مشی	۸		
		تأمین نظارت همگانی	۶		
	پاسخگویی اجتماعی	جلب اعتماد شهروندان	۱۲	۳۰	
		برآورده‌سازی انتظارات ذی‌نفعان	۸		
		حرکت در راستای افکار عمومی	۴		

	۱۲	نقش رسانه‌ها در افشاگری پنهان‌کاری‌های سیاسی	
	۳۳	پایش ادواری شفافیت در خط‌مشی‌گذاری	شفاف‌سازی
	۱۳	ارائه داده‌های شفاف و روشن از مسائل عمومی	
	۹	کیفیت زندگی مردم	تفکر حاکمیت عمومی
	۳	اصول حاکمیتی	
	۹	صادرکنندگان مدعی مشارکت در تصمیم‌گیری	مطالبه‌گری ذی‌نفعان کلیدی
	۱۶	ذی‌نفعان ناراضی و دارای تضاد منافع	
۵۴	۴	آسیب‌پذیری ناشی از صادرات تک‌محصولی نفت	اولویت‌دهی به صادرات غیرنفتی
	۱۲	راهبرد متنوع‌سازی صادرات	
	۵	توجه به مزیت نسبی کشور در صادرات	
	۶	صادرات پایدار مبتنی بر مزیت رقابتی	
	۱۱	سطح دولت الکترونیک	گسترش ICT
	۷	سطح شکاف دیجیتالی در جامعه	
	۷	فرهنگ خط‌مشی‌گذاری مشارکتی	
	۱۲	فرهنگ اعتماد به بازیگران سیاسی	فرهنگ سیاسی
	۳	فاصله قدرت بین دولت و شهروندان	
	۱۶	تبادل اطلاعات بین شهروندان از طریق شبکه‌های اجتماعی	جامعه اطلاعاتی
۶۰	۸	تبادل اطلاعات بین دولت و شهروندان	
	۱۲	دموکراسی اکثریت‌گرا	نوع دموکراسی
	۱۹	دموکراسی اجماع‌گرا	
	۱	حکومت قوی (اعمال آمرانه قدرت عمومی)	
	۵	حکومت ضعیف (جمع‌گرایی و گفتمان سیاسی)	نوع حکومت
	۳	ظرفیت خط‌مشی‌گذاری مشارکتی	
	۷	شبکه‌سازی دولت	ظرفیت دولت
	۲	به‌روزرسانی قوانین	
	۲	توان استفاده شهروندان از اینترنت	
۲۴	۳	تسلط ذی‌نفعان به مهارت‌های الکترونیکی	سواد اطلاعاتی ذی‌نفعان
	۱	فاصله اطلاعاتی ذی‌نفعان	
	۲	حق دسترسی شهروندان به اطلاعات	حکومت باز
	۵	مشارکت مدنی (توانایی مردم در نظردهی در	

۴-۵
ر
م۶-۱۰
ر
م۱۱-۱۳
ر
م

نوع حکومت	*	*	*	*	*	*	*	*	*
ظرفیت دولت		*		*	*	*	*	*	*
سواد اطلاعاتی ذی‌نفعان	*	*	*	*	*	*	*	*	*
حکومت باز		*	*	*	*	*	*	*	*
شبکه‌های اجتماعی فعال	*		*	*	*	*	*	*	*
مشروعیت نهادی	*	*	*	*	*	*	*	*	*
رضایت ذی‌نفعان	*	*		*	*	*	*	*	*
کیفیت خط‌مشی	*		*	*	*	*	*	*	*
اعتماد ذی‌نفعان	*	*		*	*	*	*	*	*

شکل‌گیری نظریه. بعد از تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده با روش تحلیل رفت‌و‌برگشتی مقوله‌های محوری، اصلی و فرعی به‌دست آمدند. در اینجا الگوی کلی بر مبنای پدیده محوری «استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی توسعه صادرات» استخراج شده است؛ اما به‌منظور تکمیل بحث و بسط پدیده محوری پژوهش و ایجاد نظریه، ارتباط بین خوشه متغیرها نیز بررسی شده و رابطه آن‌ها نیز شناسایی شده است. چارچوب حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی را می‌توان به شرح شکل ۲، تدوین کرد.



شکل ۲. چارچوب استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خط‌مشی توسعه صادرات

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پایداری خطمشی‌ها به میزان زیادی به کیفیت دموکراسی در یک کشور بستگی دارد. تضمین فرصت‌هایی برای مشارکت دموکراتیک و همچنین احترام به حاکمیت قانون و حقوق مدنی باعث جلب اعتماد شهروندان به مشروعیت اقدامات صورت‌گرفته توسط رهبران سیاسی می‌شود. بدون حمایت عمومی قوی برای اقدامات دولت، حتی بهترین ایده‌ها در خطمشی‌گذاری فاقد ابزار اجرایی مناسب خواهد بود. یکی از انگاره‌های جدید در حکومت‌داری، حاکمیت الکترونیکی است که ناظر بر افزایش قابلیت‌های خطمشی‌گذاری از طریق مشارکت ذی‌نفعان اجتماعی است. حاکمیت الکترونیکی ناظر بر حاکمیت مبتنی بر فناوری است. با توجه به اهمیت خطمشی‌گذاری الکترونیکی، در حاکمیت عمومی می‌توان ادعا کرد شناخت و فراهم‌کردن رابطه‌ای که مبتنی بر تعامل پویا بین حکومت و مردم باشد، نه یک گزینه، بلکه یک ضرورت راهبردی است. باید توجه داشت که چگونه حکومت‌های مختلف برای نیل به سطح بالاتری از نتایج موردنظر با مردم تعامل برقرار می‌کنند (Bovaird & Löffler, 2009).

در این پژوهش ابعاد و مؤلفه‌های «استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خطمشی توسعه صادرات» با هدف تحقق انتظارات ذی‌نفعان حوزه صادرات و در قالب مقوله‌های مشارکت‌جویی، شفاف‌سازی، پاسخگویی اجتماعی و دولت الکترونیک تعریف عملیاتی شده و متغیرهای تفکر حاکمیت عمومی، مطالبه‌گری ذی‌نفعان توسعه صادرات، گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و اولویت‌دهی به صادرات غیرنفتی با عنوان «عوامل علی مؤثر بر استقرار حاکمیت الکترونیکی در حوزه تدوین خطمشی‌های توسعه صادرات» استخراج شده‌اند؛ همچنین شرایط مداخله‌گر شناسایی شده در این پژوهش شامل ظرفیت دولت، شبکه‌های اجتماعی فعال در حوزه توسعه صادرات، سواد اطلاعاتی ذی‌نفعان و حکومت باز هستند. شرایط زمینه‌ای استخراج شده از پژوهش شامل نوع حکومت، نوع دموکراسی، فرهنگ سیاسی و جامعه اطلاعاتی است. در نهایت متغیرهایی که به‌عنوان پیامد و نتیجه رابطه حکومت و مردم شناسایی شد، عبارت‌اند از: اعتماد ذی‌نفعان حوزه توسعه صادرات؛ رضایت ذی‌نفعان؛ مشروعیت نهادی و کیفیت خطمشی.

از منظر خبرگان عامل فرهنگ سیاسی با ابعادی چون فرهنگ خطمشی‌گذاری مشارکتی، فرهنگ اعتماد به بازیگران سیاسی و وجود فاصله قدرت بین دولت و ذی‌نفعان توسعه صادرات (از جمله شرکت‌ها، صادرکنندگان و تشکل‌های صادراتی) موجب شده است تا حکمرانان تمایل کمتری برای استقرار حاکمیت الکترونیکی در تدوین خطمشی‌های عمومی از جمله خطمشی‌های توسعه صادرات داشته باشند. شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی باعث افزایش مطالبه‌گری ذی‌نفعان خطمشی توسعه صادرات در دسترسی به اطلاعات خطمشی‌گذاری می‌شود و به‌تبع آن استقرار حاکمیت الکترونیکی در فرآیند خطمشی‌گذاری را تسریع خواهد کرد. به باور خبرگان، نوع

حکومت می‌تواند نقش مهمی در زمینه‌سازی برای استقرار حاکمیت الکترونیکی داشته باشد. گذر از حکومت قوی به ضعیف نه یک گزینه، بلکه یک ضرورت استراتژیک در استقرار حاکمیت الکترونیکی است. حکومت قوی، حکومتی است که دیدگاه‌های مردم را در تصمیم‌گیری لحاظ کرده و به تعمیق دموکراسی در جامعه کمک می‌کند. گذر از دموکراسی اکثریت‌گرا به دموکراسی اجماع‌گرا نیز زمینه ساز استقرار حاکمیت الکترونیکی است.

تفکر حاکمیت عمومی و تمایل و پایبندی به اصول حاکمیت شایسته و توجه به ارتقای کیفیت زندگی مردم در پذیرش و استقرار «حاکمیت الکترونیکی» در میان خطامشی‌گذاران تأثیرگذار است. خبرگان به این موضوع نیز اشاره کردند که مطالبه‌گری ذی‌نفعان توسعه صادرات و الویت‌دهی به صادرات غیرنفتی نیازمند تمهیدات خاصی در حوزه خطامشی‌گذاری برای توسعه صادرات است که استقرار حاکمیت الکترونیکی یکی از آنها است. درنهایت خبرگان بر این نکته تأکید داشتند که گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و به تبع آن ارتقای سطح دولت الکترونیک در کشور ایران یکی از عوامل تأثیرگذار بر استقرار خطامشی‌گذاری مبتنی بر مشارکت الکترونیکی است.

ظرفیت دولت نیز می‌تواند در استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خطامشی در نقش مداخله‌گر بین متغیرهای مستقل و وابسته ظاهر شود. ظرفیت عبارت است از: توانایی دولت برای انجام اثربخش، کارآمد و پایدار وظایف؛ بنابراین ظرفیت‌سازی به دولت امکان می‌دهد قابلیت‌های خود را برای استقرار حاکمیت الکترونیکی در خطامشی‌گذاری افزایش دهد.

حکومت باز، دیگر متغیر مداخله‌گر است که به‌زعم خبرگان در استقرار حاکمیت الکترونیکی در تدوین خطامشی تأثیرگذار است. حکومت باز، حکومتی است که به تسهیم اطلاعات، توانمندسازی مردم با ابزارهایی برای پاسخگو نگه داشتن دولت و ترغیب مشارکت شهروندان در تعمیق خطامشی عمومی می‌پردازد (WJP, 2015). سواد اطلاعاتی ذی‌نفعان و شبکه‌های اجتماعی فعال نیز از دیگر متغیرهای مداخله‌گر هستند که از طرف خبرگان در استقرار حاکمیت الکترونیک در تدوین خطامشی مطرح شدند.

خبرگان اذعان داشتند که استقرار حاکمیت الکترونیک و به تبع آن مشارکت الکترونیکی ذی‌نفعان حوزه صادرات در فرآیند خطامشی‌گذاری می‌تواند، اعتماد و رضایت ذی‌نفعان کلیدی را در پی داشته باشد. صاحب‌نظران معتقد هستند که استقرار حاکمیت الکترونیکی سبب خواهد شد تا مشارکت در جامعه شکل بگیرد و تقویت شود و درنهایت می‌تواند مشروعیت نهاد خطامشی‌گذاری توسعه صادرات را به‌دنبال داشته باشد. از نظر آنان استقرار حاکمیت الکترونیک می‌تواند کیفیت خطامشی‌گذاری توسعه صادرات را در کشور ارتقا دهد. چنین نتیجه‌ای منطقی است. باید در نظر داشت که عل‌یرغم گذشت بیش از یک صده از تجربه خطامشی‌گذاری در

کشور، آمارهای «بانک جهانی» در زمینه کیفیت مقررات ایران نشان‌دهنده آن است که کیفیت خطامشی‌گذاری در کشور بسیار پایین است (Kaufmann, et. al., 2010). با در نظر گرفتن یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود با بازنگری در حاکمیت سلسه‌مراتبی، متناسب با نیازهای عصر اطلاعات، سازوکارهای مشارکت الکترونیکی به حوزه خطامشی‌گذاری توسعه صادرات گسترش یابد. ضمن ایجاد سازوکارهای حاکمیت شبکه‌ای، سازوکارهای مناسبی برای طرح نگرانی‌های صادرکنندگان و تبیین مشارکتی مسائل عمومی، زمینه تعامل پویا بین خطامشی‌گذاران حوزه صادرات در سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مرتبط و تشکل‌های صادراتی و صادرکنندگان مهیا شود. بی‌شک این اقدامات، جلب رضایت و اعتماد ذی‌نفعان و در نهایت ارتقای مشروعیت نهادهای حکومتی متولی بحث صادرات را به دنبال خواهد داشت. این تغییرات می‌تواند با در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار، اعم از عوامل علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای مهیا شود.

منابع

1. Alathur, S., Ilavarasan, P.V., and Gupta, M.P. (2016). Determinants of e-participation in the citizens and the government initiatives: Insights from India. *Socio-Economic Planning Sciences*, 55, 25-35.
2. Alharbi, A.M. & Kang, K. (2014). E-Participation Service in Saudi Arabian e-Government Websites: The Influencing Factors From Citizens Perspective', 14th European Conference on eGovernment ECEG 2014, Academic Conferences and Publishing International Limited Reading, Brasov, Romania, 265-272.
3. Alharbi, R., Persaud, A., & Kindra, G. (2015). Drivers of eParticipation: Case of Saudi Arabia. *The Journal of Business Inquiry*, 14(1), 1-22
4. Amoretti, F., & Musella, F. (2009). The European Administrative Space and E-Government Policies: Between Integration and Competition. In *Electronic Constitution: Social, Cultural, and Political Implications* (pp. 71-85). IGI Global.
5. Anderson, J. (1984). *Public policy-making: An introduction* (3rd edition), Houghton Mifflin, Boston.
6. Bluhm, D. J., Harman, W., Lee, T. W., & Mitchell, T. R. (2011). Qualitative research in management: A decade of progress. *Journal of Management Studies*, 48(8), 1866-1891.
7. Brewer, G. D. and DeLeon, P. (1983). *The Foundations of Policy Analysis*. Homewood, IL, Dorsey.
8. Bovaird, T. and Löffler, E. (2009). *Public Management and Governance*, N.Y.: Routledge.
9. Brigman, P. & Davis, G. (2004). *The Australian Policy handbook* (3rd edition), Sydney: Allen and Unwin.
10. Charmaz, K. (2006). *Constructing Grounded Theory A Practical Guide through Qualitative Analysis*. (2nd ed). Thousand Oaks, CA: Sage.
11. Charalabidis, Y., & Loukis, E. (2012). Participative public policy making through multiple social media platforms utilization. *International Journal of Electronic Government Research (IJEGR)*, 8(3), 78-97.
12. Denhardt, J.V., and Denhardt, R.B. (2007). *The New Public Service: Serving, not Steering*. New York: M.E. Sharpe, Inc.
13. De Vries, M.S. (2008). Stability despite reforms: Structural asymmetries in Dutch local policy networks. *Local Government Studies*, 34(2), 221-243.
14. Edelenbos, J. (1999). Design and Management of Participatory Public Policy Making. *Public Management: An International Journal of Research and Theory*, 1(4), 569-576.
15. Eriksson, P., & Kovalainen, A. (2016). *Qualitative Methods in Business Research: a Practical Guide to Social Research*. Los Angeles: Sage.
16. Freeman, R. (1984). *Strategic Management: A Stakeholder Approach*. Boston: Ballinger.
17. Glaser, B. G. (1978). Theoretical sensitivity: advances in the methodology of grounded theory. Mill Valley, CA: Sociology Press. Glaser, B., & Strauss, A. (2006). *The discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. USA: Aldine. G
18. Howlett M., Ramesh M., and Perl A. (2009). *Studying public policy: policy cycles and policy subsystems*. Oxford University Press, Oxford.

19. Jho W., and Song K.J. (2015). Institutional and technological determinants of civil e-Participation: Solo or duet? *Government Information Quarterly*, 32, 488–495.
20. Kaufmann, D., Kraay, A. and Mastruzzi, M. (2010). *Governance Matters VIII: Aggregate and Individual Governance Indicators, 1996-2008*. World Bank Policy Research Working Paper No. 5430.
21. Kazmi, Abbas (2010). *Factors Influencing E-Governance Implementation: Issues and Challenges in Pakistan*. IEEE.
22. Lincoln, Y.S., Guba, E.G (1986). But is it rigorous? Trustworthiness and authenticity in naturalistic evaluation. *Naturalistic Evaluation*, (3), 73-84.
23. Lironi, E. (2016). *Potential and Challenges of E-Participation in the European Union*. Policy Department C: Citizens' Rights and Constitutional Affairs, European Parliament, Brussels.
24. Locke, K.D. (2001). *Grounded theory in management research*. SAGE publication, London, Thousand Oaks, New Delhi
25. Macintosh, A. (2004). *Characterizing E-Participation in Policy-Making*. Proceedings of the 37th Hawaii International Conference on System Sciences.
26. Macintosh, A., Coleman, S., & Schneeberger, A. (2009). *E-Participation: The research gaps Electronic participation* (pp. 1-11): Springer.
27. Mensah, I.K., Jianing, M., and Durrani, D.K. (2017). Factors Influencing Citizens' Intention to Use E-Government Services: A Case Study of South Korean Students in China. *International Journal of Electronic Government Research*, 13(1), 14-32.
28. Michels, A. (2012). Citizen Participation in Local Policy Making: Design and Democracy. *International Journal of Public Administration*, 35, 285–292.
29. Oni, A. A., Oni, S., Mbarika, V., & Ayo, C. K. (2017). Empirical study of user acceptance of online political participation: Integrating Civic Voluntarism Model and Theory of Reasoned Action. *Government Information Quarterly*, 34(2), 317-328.
30. Rahnavard, F & Kharestani, N (2008) prerequisites of E-elections in Iran. *journal of management knowledge (not publish)*, 20(1) (In Persian)
31. Rowe, G. and Frewer, L.J. (2000). Public Participation Methods: A Framework for Evaluation. *Science, Technology, & Human Values*, 25(1), 3-29.
32. Rossel, P., and Finger, M. (2007). Concetualizing E-Governance, Proceedings of the 1st International Conference on Theory and Practice of Electronic Governance, ICEGOV 2007, Macao, China, December 10-13.
33. Sabatier, Paul A. (2007). *Theories of the policy process*. Boulder, Colorado: Westview Press
34. Sæbø Ø, Flak L.S., and Sein M.K. (2011). Understanding the dynamics in e-Participation initiatives: looking through the genre and stakeholder lenses. *Gov Inf Q*, 28(3), 416–25.
35. Sæbø Ø, Rose, J., and Flak, L.S. (2008). The shape of eParticipation: Characterizing an emerging research area. *Government Information Quarterly*, 25(3), 400-428.
36. Scherer, S. and M. A. Wimmer (2014). Conceptualising Trust in E-Participation Contexts. *International Conference on Electronic Participation, Springer*, 1-15.
37. Shojaan A, Taghavifard S M T. A (2018)6 Model for the Implementation of Electronic Governance in Iran. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 33(4), 1531-1556 (in persian)

38. Staiou, E. R., & Gouscos, D. (2010). *Socializing E-governance: A parallel study of participatory E-governance and emerging social media*. In *Comparative E-Government* (pp. 543-559). Springer New York.
39. Strauss, A.L., & Corbin, J. (1990). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*. Thousand Oaks, CA: Sage.
40. United Nations (2007). *Participatory governance and citizens' engagement in policy development, service delivery and budgeting*, Economic and Social Council, Committee of Experts on Public Administration.
41. WJP (2015). *Open Government Index: 2015 Report, World Justice Project*. Washington, D.C.

Designing an E-Governance Framework for Export Development Policy Formulation

Farajollah Rahnavard^{1*}, Ali Reza Seihoon², Mahdy Mortazavi³,
Habiballah Taherpour¹

1. Institute for Management and Planning Studies (IMPS), Tehran, Iran.

2. Ph.D candidate, Institute for Management and Planning Studies (IMPS), Tehran, Iran.

3. Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract

Purpose: Regarding the importance of electronic governance as one of the key issues in policy making, and the lack of relevant theoretical studies and research in Iran, the purpose of this study is to achieve a framework of policy makers' attitude towards e-government.

Design/Methodology/Approach: This research has been carried out using Grounded Theory method. The statistical society is the experts who have practical knowledge and experience in formulating the export development policy. Experts were selected by snowball sampling method and the data were managed using Atlas software.

Research Findings: After analyzing the text of the interviews, the central topic of "The implementation of e-governance in policy formulation" was considered, which includes the main dimensions of targeting (stakeholder participation, transparency, accountability, and e-government).. The findings showed that the demand of exporters, the priority of non-oil exports, and the expansion of ICT are factors influencing the implementing e-governance in export development policy formulation.

Practical consequences: the implementation of e-governance can result in exporters' trust, stakeholder satisfaction, legitimacy, and improved quality of export policies. e-governance has positive effects, such as the satisfaction and trust of exporters, and increases the legitimacy of the government among the stakeholders and improves the quality of policies in the country.

limitations & Consequences: public governance thinking and gaining exporters' trust considered as limitations for implementing e-governance in export development policy formulation.

Innovation or Value of the Article: this research by Identifying the causal factors, mediator and moderator and the developing of final framework adds to the research findings of e-governance in export development policy formulation.

Keywords: E-governance, E-participation, participatory policy making, policy formulation, and export development

Article Type: Research paper.

Received: April 04, 2019, Accepted: August 22, 2019.

* Corresponding author.

E-mail addresses: frahnavard@imps.ac.ir; seihoonmail@gmail.com; m.mortazavi@modare.ac.ir; h.taherpour@imps.ac.ir